

فراتر

مباحث اساسی و اجتماعی

آونام بشی

طهران ۷ داخله ۸ خارجه ۹ ونبات

وجه اشتراك

برای مجله‌ها - کارگران - وادعاه اتحادیه‌ها - نومان

نوبت اعلامات و مقالات خصوصی

باز دفتر اداره است

مناسبت از پیشی عید نوروز

عید نوروز

ی باشد

مجلسیان تصویب کرده و شاه
اعضاء نموده .

پشتین و وزیر و درین منبر چهره رخ
پارغوانی جواهردوز در بر و تاج مرصع
بر سرور سبزه زاری بخت زین بر
آمد و بروی خورشید بنشست . گوهر

های گرانمایه و نگارنگ از اشعه شمس
تابانک شده و شهریار مانند یک قطعه
فیروزان در آن میایستاد و درخشید .

اولین صدای بود بشنیدیم تهر یک شید
شید اشد و بلندند زبان بهلوی روشن
درخشان معنی میدهد . از آفت خیر

فوق الدکر بجهت مذهب گشت
جهت اسرار داد نوروز را در هر سال
بعد از ماههای سال ۱۲ روز جشن گرفته

و عید نوروز در هر سال
باد گوشت و در ۱۳ بگشت و صحرای رفته
و از ۱۴ بر درین بکار مشغول شوند

جشن در آن دوارده روز هر منصر
یا زندانی را بخیرایش اهالی عفو و آزاد
می ساخت . افسوس یک چنین عید بروی
از حقوق ملت ایران سلب شد .

ژم (جم) زبان بهلوی - اطمان را
گویند . منوچهر پادشاه - آسانی برای
رسیدن باحوال اهالی ایران و سیر منگ

خوش و درمیدم به سهر برداشته
و اواخر زمستان بازار آبادگان رسید
در آنجا مجلسی زدر باریان و وزرا و

منجهین تشکیل داده و گفت میخواهد
جشن سالانه برای کشور ایران که مربوط
بادیان مال نباشد رسماً برقرار سازد .

تا همه اهالی مملکت ایران هر سال در
نوروز عید کنند .

ستاره شناسان اول پروردین
را (۲۲ مارس) چون روز آفتاب
به نقطه حمل ، برابری شب و روز ،

گذشتن زمستان و تجدید حیات زمین
باشمارد کرده و گویند : وقتی خدا زمین
را آفرید ،

لطیف بهاری آن بحد کمال پیراست
و همچین آدم باو بشیر داد آفتاب را به
گیتی فرستاده . البته یک چنین روزی
نه متهم برای ایرانیان و بلکه برای اهل
عالم مقدس است و شایسته تجدید سال
جهاث و شادمانی جهانیان

صفحه ۲۹

فراش حکومت (باستانی قربانی ملی وارد شده خطاب به دکتر)
ای قای دکتر این قران ملی آمده بحکومت ماضی شده اکبر پیرش را
شما آوردید و بنگاهداشته اید مرا فرستاد . اید با پیر ار را بدید و این که

خودتان بیاید جواب بگوئید
دکتر - (اند از قدری فکر) حیف از این امر که نو پدر او هستی
افسوس از این پیر اگر تا سال دیگر نزد من بود یک دکتر حسابی
می شد .

قربان علی - سمت هیچی خواهم کرد بشود قربانی می گیر خودش دکتر
است میخوام که بر بشود
بچه کنده - ای داد دیداد بیچاره من بد بخت من که این من
نوشتن است

دکتر - اما دیگر دکتر نخواهد شد افسوس افسوس
قربانی علی - ای بچمتم افسوسه دکتر نمی شود من که دکتر نبودم از
گرمی مردم

دکتر - بسیار خوب اگر میخواهید به پزشک
قربانی علی - شما یک اچر تا ما شوم از او گرفته اید باید من
الان یک مرد محترمی را بخوانید و آید نامه را بشنید که
دکتر - با این صفت شب مردم محترم را از کجا خبر کردید
قربانی علی - شما باید صفت فصح اید تا ما مشب خوانده شود

جشن نوروز زمانه درفش ۳ رک
مادر واری شیر خورشید از لایم رسمی
بالتا شماره اید .

از اهالی ایران مسلمانان و زرتشتیان
عید میوزور با شیرینی و کباب و لباس
وین شادمانه بجلال بدرائی میکنند .

و دیگر ایرانیان از سبزی و کباب
[که بی شک در قدیم شرکت داشته]
خوشتن را بر کنار گذاشته اند .

شاید می پندارند و نوروز عید مذهبی
مسلمانان و یازده شقیان است ! اگر چنین
بودی زرتشتی و یا تنه اسلامیه عید

میگرفت و در صورتیکه می پندارند در اسلام
ایضاً باشد عینی از نوروز آفرین است
و در هندوستان فقط پارسیان که اجداد

آنان در شگفت بر دگرد و فتح عمر از
ایران مهاجرت کرده ، این تنها یادگار
پدران و اجداد خویش را حفظ و نوروز

را جشن میگیرند آری و نوروز
همیشه از این روز تجدید بشود .
عید سبزه و اولیای سربلای است ها

بی شباهت به جشن نوروزی مایست
ما و تمام سوسیالیست مال غنلقه عالم
هر دین و مذهبی که باشند در اولیای

جشن میگیرند چنانچه هر (ایرانی در هر
کجای جهان باشد نوروز را با رک
شمرده و عید میکنند) سزاوار است آن

ایرانیان غیر مسلم و غیر زرتشتی که
ملتی خوشتن را از این جشن محروم
داشته اند از این بعد با اجتماع شرکت

در آیند .
از آغاز پروردین زمین لایا من نوین
خود را از مخیل پلوش سین در بر باکل

های رنگارنگ خوشتن را زیانت داده
و در ختم ادسته دسته و رنگی چسبیده به طر
خود را به تیرنگ نوروزی بیرون میدهند

غنیج های گل سرخ مانند عربستان
سر از کربان های زمردین بدر بلبلان
ساز سخن را کوك ، چه چه زمان برای
قدیم و پوسه های بد باغوش مشرقهای

خویش می آیند
در حقیقت تمامی موجودات در
این موقع جشن دارند . آیا برای آن

انسانهای مملکت خورشیدی ، که خوشتن
را از این جشن بهاری تازه شدن دنیای
ایبی بر کنار میگیرند . سر شکسته کی
نیست ؟

ما یک عید دیگر مانند نوروز داریم
آورد نیست که کاخ استبداد از آتش
عضب ملت ایران خاکستر شده و زیر

های ظلم بقوت با زوی اهالی مملکت
قطعه قطعه گشته و آفتاب آزادی در ۱۴
چاندی الاخر از آسمان به آستان جا

سلام داد . این عید مانند جشن ۱۴
ژویه فرانسه ها و مثل ۷ آکتبر انقلاب کبیر
روس مقدس است .

هر فرانسوی خواه از هر ملت
باشد در ۱۴ ژویه اگر فرسنگ از مملکت
خود دور باشد ساز جشن را بنوی مار سیر

گوك و چیرکی آروز را از نظر خویش
دقیله داده و عید میکنند . هر اهل مملکت
روم و از هر ایرانی و از هر ایرانی

پوسیده و روز نیروی داس و بولک
سلام بگیرند .
در این جانی شود بی سرزنش نا

گفته گذارد که یک عده از اهالی ولایات
ایران هنوز از جشن مشروطیت بی خبر
بخواب غفلت اندرند منتها طهران در

این عید کامرانی میکنند . بعضی از عمال
حکومت مشروطه ایران در پاداشتن
این جشن کونای میوزند و هیچ کجایی

بلکه تاکنون بودج آرا بمجلس شورای
ملی پیشنهاد نگردیده است . شاید از
استد باکنون هیچیک از سفراء و

قوت و لههای ایران هم این روز را در
خارج عید نکرده اند
بر ذره نویسندگان و ادبیران جراید

و قاتلین احزاب است که باگفتن و نوشتن
جشن انقلاب ایران را از اسرار داشته
باغام اهالی ایران در هر یک اجماعی

الاخر قلیل و چر اغانی نموده و بیرق
سیر و سفید و سرخش را باغتر از در
آورد و عید کنند .
(کی ا سوان کیلانی)

ما از عموم مطالعین و متفکرین منظریم که

در این ایام نزدیک عید عقاید و آراء
خود را زاجع به نوروز نگاه داشته و
صفحات جرفته مرکز را با ذکر زایای
این عید مهم مزین نمایند

قرن بیستم

روزنامه نویسی

روزنامه نویسی مایه خیر ن دل است
خصوصاً برای من
باید دیده امید بعضی از مردم را که

متاهل شد و در نتیجه عیال بار کرده
اند وقتی بدوستان شیمی درد دل میکنند
با نهایت آثار اظهار میدارند .

خوشا حال آن لایمیکه که بیست اهلی
عیال نشده بودیم و خود را گرفتار این
درد سر لا علاج نموده بودیم

در خانه پدر بودیم نه غم نان داشتیم نه
غصه لباس نه می شنیدیم بابا گش ندارم
لباس دریده کلام گفته شده و نه میدیدم
که سبب ده فقر دهان باز است و لقمه

مخیر انداختن
روزنامه هزار دردس دارد گه یکی
از آنها اصراف منگت طبعه و کاغذ است
(تقریباً شماره جهل تومان)

من خودم قبل از آنکه شروع به نوشتن
این روزنامه را نمیدانم از مدیران محترم مراند
عشور بودم و از آنها می شنیدم که روزنامه
نویسی مایه خیر ن دل است ولی انطوریکه

باید نمی فهمیدم کجی دل آنها میسوزد که
این حرف را می زنند
ولی حالا :

اولا یک قلم هرچه روزنامه نویسی می
نیام بحال اتمارت میگویم سابقه بعضی از
اشخاص مستحق دیده میشد که یک ورقه
استشهادی از مجتهدین در دست داشت که این

شخص مستحق است باو ترحم کثیر
حالا روزنامه را که می بینم همان
ورقه استشهادی استجافی در نظر جلوه نمیناید

تا روزنامه را می بینم پیشی بخود میگویم
تشر این ورقه مستحق است هر کس باو
ترجم نماید ثواب دارد روزنامه نویسی
در ایران !!

عجب مالیات خوبانی !!
روزنامه را باید با مقالات علمی و فنی
زیست داد این در ایران ممکن نیست چه که
کثر مردمی هستند که عالم و متجدد باشند
تازه وقتی این قبیل اشخاص یافت بشود وقت
و بجای حاضر نیستند که اطلاعات و نتیجه
زحمات چندین ساله خود را تعلیم تجزایی
نمایند که وقتی هم تکارفات آنها چاپ شد
نقد آنرا خواند
سرتا با مقلوطه و روفهای گفته غیر
خوانا که بیداد است با یک صفحه را چاپ
نگرداند یا اگر صفحات لاتین را پس و پیشی

جید آمد بطوریکه از آن لایحه همه چیز آمده و میشود چنان جزئی که نویسنده در نظر گرفته گذشته از این هر کس حوس کرد که معروف بشود بکمالی که هیچ قالی درج در جرائد نیست بایک انشاء مضحک و خنکی می نویسد و میبورد و نهایت درجه اسرار دارد که چاپ بشود و اگر دیر صلاح ندانست نویسنده آن میرنجد آمدنها درخارج منتظر افزا و هتاک است

روزنامه باید حاوی اخبار مهمه و اطلاعات کافی از جریان امور اداری و اجتماعی مملکت باشد

مملکت تا بکلی فائد مرگ نکرده است

دوسطری هم نرسیده اند الان که این سطور را می نویسم غیر وارد شد و اظهار کرد که وزارت مالیه اظهار داشته است ما گذشته از آنکه بشما اعلان نخواهیم داد مبنای هم نخواهیم داد چرا که برای آنکه در شایه سابق ما نوشتیم که معاون وزارت مالیه از ارباب جهید شش هزار تومان بشود گرفته و این مسائل همین ايام در عدلیه مطرح است اگر بخوام مصائب و درد های روزانه نویس را بنویسم باید تمام روز نامه ما را برای این کار وقت نمایم همین قدر میگویم روز نامه نویس مایه خون دل است مخصوصاً برای من

نویسنده ن. ش.

دارالشوری قونیه

جلسه ۲۴۳
خلاصه مذاکرات عصر سه شنبه ۲۲
حوت ۱۳۰۱ - ۲۵ رجب ۱۳۴۱ مجلس
بکامات اتم غروب در نعت ریاست آقای
دؤنن الماک تشکیل گردید صورت مجلس
بوم قبل قرائت و یادو فقره اصلاح تصویب شد
رئیس بودجه معارف از ماده ۲۵ مطرح است
فصل چهارم
ماده ۲۵ - اعتبارات و مصارف مبلغ ۱۲۹۰۰
تومان (تصویب شد)
فصل پنجم
ماده ۲۶ - صحبه مبلغ ۸۳۲۰۰ تومان

بشماره ولایات و ایالات و بنادر جاری
اطهاره باشند و عقیده ایشان این بود که صحبه ولایات
بی ترتیب و غیر نظم است و باید مثل صحبه
طهران تمام نقاط ککو جزو صحبه منظم داشته
باشد
وزیر معارف - اظهارات آقایان را
تایید نموده و قول دادند که در بودجه
سال آتی تمام نظریات آقایان اجرا
خواهد شد
ماده ۲۶ تصویب شد
ماده ۲۷ - مدرسه مذابح مستطرفه
مبلغ ۱۴۴۰۰ تومان
۲ تصویب شد
ماده ۲۸ - بودجه مدارس ابتدائی
ایالات و ولایات مصوبه مجلس شورای ملی
بودجه سابق مدارس ایالات و ولایات و اداره
معارف بعضی نقاط مبلغ ۱۸۴۴۰ تومان و مبلغ
۱۳۰۰۰۰ تومان هم از قرار نومان بکامات
و طرواری بکمران است که اهالی هر محل
کمکم بنمایند
آقای شیخ السلام اسفهان - عقیده
داشتند که دولت و مجلس ملی الامکان نکرده ای
و کوشش در ترقی صحبه و معارف و سایر
ادارات در ولایات بنمایند

آقای یور ونا - شرحی
از او ضاع راجع بنواقصات معارف
ولایات و بنادر اظهار داشتند و شرحی
بی ترتیبی مدارس بوشهر و شکباتی
نکران از آن محل بخاطر شده است اظهار

دوم آنکه چون روز نامه قونیه
درواخر کابینه قوام السلطنه منتشر شد و یکی
از عوامل مؤثر سقوط کابینه او بشمار آمد
جناب ایشان بهوم معاونین وزارتخانه ها که
هم از دستان معروف دست نشانده ایشانند
رحلت کابینه و صحت فرمودند که اعلان پروژانه
قونیه یستم نویسنده چنانکه تا امروز با آنکه
وزراء معارف کرده اند معاونین بک اعلان

و نقاشا نمودند که دولت بسر حداثت نظر
فوری بنمایند و راجع بشکبات اهالی
بوشهر هم جواب صحبه فوری بدهند
مقرب جلسه برای نفس تعطیل و پس از ۳
رجع مجلس مجدداً تشکیل گردید
خیراز که سهون بودجه مجلس شورای ملی
کمیسیون بودجه در جلسه ۱۹ برج حوت
نست اول لایحه ۳۸۳۴۸ دولت راجع
بجهول و هشت هزار تومان مخارج فوق الاماده
مشاران امریکائی را تحت شور مطالعه
فراز داده ماده واحده ذیل را برای تصویب
بمجلس شورای ملی پیشنهاد بنمایند
ماده واحده - وزارت مالیه مجاز
است که بشرح ذیل مبلغ چهل و هشت
هزار تومان مخارج فوق الاماده مشاران
امریکائی را قادی و پرداخت نماید
۱ - برای خریداری کتابخانه دفتر و
منزل آقایان مشاران و کرایه منازل
آنها
ب - مخارج مسافرت از قونیه بطهران ۱۰۰۰۰
ج - حقوق مترجمین و منشی و مستخدمین
حزه در اثر مشاری ۴۰۰۰ تومان
د - حقوق معاونین اداری در ظرف سه
ماه آخر سال ۴۰۰۰ تومان
و پس از توضیحات وزیر مالیه
از ۷۶ نفر نمایندگان حاضر با اکثریت ۶۰
رای تصویب شد -
آقای داور - موافق عقیده داشتند
که این لایحه را آقایان بکمران برای
پیشنهاد آتی بجهول و منشی و مستخدمین
نمودند صورت جزء بودجه ایالات
ولایات را بمجلس بیاورند تا از روی
بصیرت رای گرفته شود - پس از توضیحات
خودشان - پیشنهاد قابل توجه شد و ماده
۲۸ ماند تا صورت جزء طبع و توزیع شود
و باذقت رای گرفته شود
رئیس - رایورت کمیسیون بودجه راجع
به ۴۸۹ هزار تومان اعتبار مطرح است
(شرح ذیل قرائت شد)
رایورت کمیسیون بودجه راجع به خرج تحصیل
میرزا سید رضی خان کاتلی ۶ ساله درالمان
بمبلغ ۳۸۷ تومان - اخذ اراء بعمل آمده
از ۷۶ نفر نمایندگان حاضر با اکثریت ۵۸
رای تصویب گردید
برحسب تقاضای شاهزاده شیخ الزمیس
وسایمان میرزا لایحه راجع به یکصد هزار تومان
اعتبار دوره پنجم فراغت و طرح از ۷۷ نفر
نمایندگان حاضر با اکثریت ۶۶ رای تصویب
ردید
مجلس - ساعت نیم از شب ختم شد دستور فردا
لایحه قانون استخدام قضات عدلیه و کرد شوری

تاکو اغایت روتو
نایبده استندار در روسیه
- هاسنگفرس - غیر واصله از مسکو
اشعار مدایرد - داج مایند کپانی نفت
استندار برای مذاکره راجع به تجدید حساب
ساعتی نفت روسیه و اورد مسکو گردیده است
حالت وخیم فراریان
- اسلامپون ۷ - مهاجرین مانند
سپل باسلامبول میریزند و با نهایت تأسف
معلوم شده است که وسایط خیریه و احسانیه
بهمچوبه قادر به مساعدت نیستند آنان و در وقتی
که در مسکو (هر نیکوکن) برای مشاییت
فقط میسر میسر میسر میسر میسر میسر
حالت وخیم مهاجرین اناطولی را با نهایت
رفت ملاحظه می نمود قریب یک صد زوج
دور از بقدریک قایق لکرا انداخته و معام
از مهاجرین بر آبله بود و غالب آنها
زن بودند و از آن فک زکاکان مرده
ولی بقدری قوت انداخته بودند اجسادشان
را بدرا اندازند از دیروز تا کنون

اجازت روتو
روز گذشته آقای مسئولی الممالک
رئیس الوزراء بدربار تشریف آورده تا
دو ساعت به از ظهر مشغول رفتی و رفتی
امورات بوده اند

اجازت روتو
روز گذشته آقای مسئولی الممالک
رئیس الوزراء بدربار تشریف آورده تا
دو ساعت به از ظهر مشغول رفتی و رفتی
امورات بوده اند

اجازت روتو
روز گذشته آقای مسئولی الممالک
رئیس الوزراء بدربار تشریف آورده تا
دو ساعت به از ظهر مشغول رفتی و رفتی
امورات بوده اند

انتخاب
آقای میرزا میداده خان کرمانی
بر ریاست تقیوش وزارت مالیه منصوب گردیدند
مخبر مخصوص ما اطلاع میدهد خبری
که این روزها مطرح و در شهر شهرت دارد
نکرافتی است که حجت الاسلام آقای حاجی
آقا حسین مجتهد از خراسان بمنشوان
حضرت آیه الله آقای حاجی شیخ محمد اکبریم
دامت برکاته نمودند و از قرار معلوم
مضمون نکرافت این است که انکاپ بنادر
مشهد مقدس مشغول بر برداری املاک و
علاقه میباشند و این مسئله نافی شرع انور
میشود تقاضای اقدام و مساعدت در رفع
این مسئله از معظم له نموده اند
آقای آقای حاجی شیخ هنوز اقدام
و تصمیمی در این موضوع نکرده اند

تاکو اغایت روتو
نایبده استندار در روسیه
- هاسنگفرس - غیر واصله از مسکو
اشعار مدایرد - داج مایند کپانی نفت
استندار برای مذاکره راجع به تجدید حساب
ساعتی نفت روسیه و اورد مسکو گردیده است
حالت وخیم فراریان
- اسلامپون ۷ - مهاجرین مانند
سپل باسلامبول میریزند و با نهایت تأسف
معلوم شده است که وسایط خیریه و احسانیه
بهمچوبه قادر به مساعدت نیستند آنان و در وقتی
که در مسکو (هر نیکوکن) برای مشاییت
فقط میسر میسر میسر میسر میسر میسر
حالت وخیم مهاجرین اناطولی را با نهایت
رفت ملاحظه می نمود قریب یک صد زوج
دور از بقدریک قایق لکرا انداخته و معام
از مهاجرین بر آبله بود و غالب آنها
زن بودند و از آن فک زکاکان مرده
ولی بقدری قوت انداخته بودند اجسادشان
را بدرا اندازند از دیروز تا کنون

تاکو اغایت روتو
نایبده استندار در روسیه
- هاسنگفرس - غیر واصله از مسکو
اشعار مدایرد - داج مایند کپانی نفت
استندار برای مذاکره راجع به تجدید حساب
ساعتی نفت روسیه و اورد مسکو گردیده است
حالت وخیم فراریان
- اسلامپون ۷ - مهاجرین مانند
سپل باسلامبول میریزند و با نهایت تأسف
معلوم شده است که وسایط خیریه و احسانیه
بهمچوبه قادر به مساعدت نیستند آنان و در وقتی
که در مسکو (هر نیکوکن) برای مشاییت
فقط میسر میسر میسر میسر میسر میسر
حالت وخیم مهاجرین اناطولی را با نهایت
رفت ملاحظه می نمود قریب یک صد زوج
دور از بقدریک قایق لکرا انداخته و معام
از مهاجرین بر آبله بود و غالب آنها
زن بودند و از آن فک زکاکان مرده
ولی بقدری قوت انداخته بودند اجسادشان
را بدرا اندازند از دیروز تا کنون

تاکو اغایت روتو
نایبده استندار در روسیه
- هاسنگفرس - غیر واصله از مسکو
اشعار مدایرد - داج مایند کپانی نفت
استندار برای مذاکره راجع به تجدید حساب
ساعتی نفت روسیه و اورد مسکو گردیده است
حالت وخیم فراریان
- اسلامپون ۷ - مهاجرین مانند
سپل باسلامبول میریزند و با نهایت تأسف
معلوم شده است که وسایط خیریه و احسانیه
بهمچوبه قادر به مساعدت نیستند آنان و در وقتی
که در مسکو (هر نیکوکن) برای مشاییت
فقط میسر میسر میسر میسر میسر میسر
حالت وخیم مهاجرین اناطولی را با نهایت
رفت ملاحظه می نمود قریب یک صد زوج
دور از بقدریک قایق لکرا انداخته و معام
از مهاجرین بر آبله بود و غالب آنها
زن بودند و از آن فک زکاکان مرده
ولی بقدری قوت انداخته بودند اجسادشان
را بدرا اندازند از دیروز تا کنون

تاکو اغایت روتو
نایبده استندار در روسیه
- هاسنگفرس - غیر واصله از مسکو
اشعار مدایرد - داج مایند کپانی نفت
استندار برای مذاکره راجع به تجدید حساب
ساعتی نفت روسیه و اورد مسکو گردیده است
حالت وخیم فراریان
- اسلامپون ۷ - مهاجرین مانند
سپل باسلامبول میریزند و با نهایت تأسف
معلوم شده است که وسایط خیریه و احسانیه
بهمچوبه قادر به مساعدت نیستند آنان و در وقتی
که در مسکو (هر نیکوکن) برای مشاییت
فقط میسر میسر میسر میسر میسر میسر
حالت وخیم مهاجرین اناطولی را با نهایت
رفت ملاحظه می نمود قریب یک صد زوج
دور از بقدریک قایق لکرا انداخته و معام
از مهاجرین بر آبله بود و غالب آنها
زن بودند و از آن فک زکاکان مرده
ولی بقدری قوت انداخته بودند اجسادشان
را بدرا اندازند از دیروز تا کنون

شماره ۳۰ اینده نهضت اسلام
را بدقت بخوانید که حاوی تمام
کارهای دوره زندگانی یکی از پیشروان
زاد دولت انقلاب ایران است

شماره ۳۰ اینده نهضت اسلام
را بدقت بخوانید که حاوی تمام
کارهای دوره زندگانی یکی از پیشروان
زاد دولت انقلاب ایران است

شماره ۳۰ اینده نهضت اسلام
را بدقت بخوانید که حاوی تمام
کارهای دوره زندگانی یکی از پیشروان
زاد دولت انقلاب ایران است

شماره ۳۰ اینده نهضت اسلام
را بدقت بخوانید که حاوی تمام
کارهای دوره زندگانی یکی از پیشروان
زاد دولت انقلاب ایران است

شماره ۳۰ اینده نهضت اسلام
را بدقت بخوانید که حاوی تمام
کارهای دوره زندگانی یکی از پیشروان
زاد دولت انقلاب ایران است

مدحت احمالی محمدان

در فصل حیرت آوری شکایت واه و الهاز انجمن زارعین همدان در
مضارع تعدیات غیر قابل تحمل حکومت آخیا بایکساله اسناد کافی حای از
ببات فوق المعاده حکومت سر خود آخیا بادراره رسیده که حقیقتاً
توان گفت عملیات دوره استبداد و کیف مابشائی را ادا داده و ما
واسطه ضیق صفحات از درج بین مکتوب و اسناد آنها خود داری
ورده و همین قدر دوات صالح رفت را تذکر میدهم بکه در اینموقع که تمام
مال ولایات و ایالات منتظرند که نسبت بانها عطف توجهی شده و دست
ورو نندی حکام حار را از سر آنها کرنا کرده و زمام امور آنها را بدست
مردمان صالح و عناصر بی آلاش بدست خوب است بشکایات آنها خانه
بد که اسباب مرید امیدواری کرده و بگذشت زارع و زنجیر از این بدبختی
رها نشد

اسب او طیفه پنجاه شصت سند از عملیات خود سرانه حکومت همدان را
برای ما انجمن زارعین فرستاده اند بنظر رئیس دوات خواهیم رساند و سعی
خواهیم کرد بلکه رئیس دوات اهالی همدان را راجع نمایند اگر یارتره یابش
نسل حاکم و پسران عبد الهاب بگذارند قرن بیستم

اطظار از طرف توزیع کل جراید مرکزی
موم مدیران جراید با کمال احترام معروض میدارم از این تاریخ یکم
مهرماه ۱۳۰۳ به پیش آمد یک مسافرت غیر معلوم از جهت بدو و بنیاد
ن جرایدی که اسمایی درج شده از توزیع سایر جراید معذرت میخواهم
آقایانیکه شاگرد از برای انتشار جریده خودشان آورده اند از این تاریخ
زمین بکلی از فروش روزنامه ایشان امتناع دارند هرگاه آن مدیران
م مجدداً مایل باشند که روزنامه ایشان توسط توزیع منتشر شود باید
بازارت روزهای را نادیده نمایند تا اینکه موزعین جراید آنها را از جمعه فروش
ند و الا توزیع بدون استثناء از توزیع نمودن جراید ایشان معذرت

برایدی که از این تاریخ منتشر میشود بقرار ذیل است .
 وفاییدار (تدام) بار - شفق - شماره ایران - ایران - پرچم آسیای وسطی
 آتشاد - نصر - امید - زمین - وطن - کاشن - قانون - گل زرد -
 نویسنار - شهاب - فلق روشن - یکن - کار - مرد آزاد -
 شش - حصار عدل - بامداد - قرن بیستم .
 دفتر توزیع کل جراید سرگز (محمد سقا زاده)

این ساختمان را که بدین افسانه من در آن جا گرفته است و یک طرز بکمال آزادی را نشان می دهد شاید برای دفعه اول به نامده تر نباشد اما با اعتقاد من از این حیث که می تواند به نمایش ها اختصاصی داشته باشد بهترین ساختمان ها است . برای همین اختصاصی همانطور که سایر اقسام شهر هر کدام اسمی دارند اسم ساختمان خورد . را که نمایش اسمی گذاشته ام و جز این هم شاید اسم دیگری نبود .

MI 4266

داشتم و الان از فراق او ناخوش شده ام
دکتر خیلی خوب چون شب است شخصی مرض شما را نمی توانم بدهم
انشاء الله صبح شریف بیاورید که ملا ما به یکم دی مجا لنا خواهن
دارم شما هم شاهد باشید که من اجیر نامه این جر را (صدا میزند) آتیر
فرمان علوی رسانید جلو) فسخ کردم

دکتر - حاجی چه میفرماید

حاجی - دخترم رای کم کرده بودم عین است (جد دأ ا و را
 یف می کند)
 قربان علی - تا سلامی ایچر نامه را خوب فستقم کردم عجب خطائی
 سکردم

شیفته خانم - و ارد - من شده بطور ندیمی او، گدا را نگاه میکند
وای او مرد نبودی توهم مثل من زلی بودی
بچه گدا - دیدی خانم دختی که می گفتم از من انچه تو میخواهی احاطه
نمی کنی حق داشتن و تو باور نمی کردی و من هم ای دانا منم نیه زالی
تو حال کنم
شیفته خانم - وای من دو سال اشتباهی عاشق بودم
فرمان می - نیارو ای توهم عاشقی

